

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده سازمان راه پرولتری فرانسه
برگردان از فرانسه به فارسی - دری: گرامی یاد "امین سیماب"
به مناسبت یاددهانی از هفتمین سالگرد پرود همکار ارجمند ما گرامی یاد "امین سیماب"
۲۴ اپریل ۲۰۲۳



گرامی یاد امین سیماب

سلسله دروس آموزشی اندیشه پیشرو عصر

(۶)

درس دوم - قسمت دوم

مبارزه میان برده ها و برده داران:

مازاد تولید نعمات مادی که از یکسو محصول رشد و تکامل نیروهای مولده است، از سوی دیگر زمینه به بردگی کشیدن انسان ها را مهیا می سازد. پیش از آن، اسرای جنگی یا کشته می شدند یا رها می گردیدند و یا هم بعد از مدتی، در اجتماع جدید مدغم می شدند. از این به بعد، ممکن است که با به کار گماشتن آنها، محصولی بیشتر از حد نیازمندی خود شان، تولید کنند. این چنین چیزی مستلزم دو شرط بود که در یونان، در حدود ۱۳۰۰ پیش از میلاد، مهیا گردید: یکی تعمیم یافتن مالکیت خصوصی و دومی انکشاف مبادلات تجاری یا بازرگانی.

مالکیت خصوصی ثمره فروپاشی جوامع بدوی است؛ خواه آن جوامع دارای دولتی بودند و یا نه. کار که در ابتداء اشتراکی بود، بعداً روی زمین هائی که به بخش های همگانی و قطعات خانوادگی تقسیم شده بودند، انجام می گرفت. تقسیم اراضی مشترک میان اعضای اجتماعات، تفاوت بین توانگران و تهیدستان را بیشتر نمود.

مالکیت خصوصی ثمره فروپاشی جوامع بدوی است؛ خواه آن جوامع دارای دولتی بودند و یا نه. کار که در ابتداء اشتراکی بود، بعداً روی زمین هائی که به بخش های همگانی و قطعات خانوادگی تقسیم شده بودند، انجام می گرفت. تقسیم اراضی مشترک میان اعضای اجتماعات، تفاوت بین توانگران و تهیدستان را بیشتر نمود.

انکشاف مبادلات بازرگانی که آن هم با مازاد اندوخته ممکن گردید، به نوبه خود بارآورنده برده داری فردی شد؛ که در آن یک فرد مالک فرد دیگر بود. همه چیز خریداری می شد و همه چیز به فروش می رسید. فرد بی بضاعت که دیگر چیزی برایش نمانده بود، چاره دیگری نمی یافت غیر از این که نیروی کار خود را به فروش برساند. مگر نگفته اند که برای آزادی نمی توان قیمت تعیین کرد؟ در آن دوره، آزادی قیمتی داشت که توسط بازار برده فروشان تعیین می گردید. و بدین ترتیب، صاحب برده می توانست که به وسیله برده خود امتعه ای تولید نماید که وی (مالک) را بیش از پیش ثروتمند بسازد.

در عوض، ظهور برده داری، ضرورت راه انداختن جنگ را تشدید نمود. به این صورت، طبقات حاکم شهر های باستان دورادور مدیترانه، در تصادمات دائمی قرار گرفتند. شهر هائی که شکست می خوردند، همراه با پرداخت باج، برده گان را هم به فاتحان عرضه می نمودند. این کار محرکی شد برای سازماندهی نظامی، و سازماندهی سیاسی در چارچوب دولت ها.

نظام های برده دار، در شهرک های مصر و در امپراتوری های دیگر عرض وجود نمودند؛ و با خود موکب مبارزات طبقاتی و جنگ های وقفه نئی دهقانان آزاد را به همراه آوردند. با آنها، بردگان عمدتاً خارج از پروسه تولید قرار داشتند. آنها به خصوص بردگان اجیر و در ملکیت شاه بودند. این در شهرک های یونان بود که نظام برده داری به یک شیوه تولید مبدل گردید؛ و با "روم" اوج تکامل و سقوط خود را دید.

از این تصادمات میان شهرک ها، میان دولت های اطراف مدیترانه، یک شهر سر برآورد؛ و آن "روم" بود. در منقاد ساختن خلق ها و بردگان، آنچه را دیگران به میزان خیلی کوچک انجام داده بودند، روم آن را در ابعاد بزرگ عملی نمود. در عوض، شهر روم با شورش های لابنقطع مواجه گردید: مزید بر قیام های بردگان، شورش های مردمانی که در برابر فتوحات و پرداخت باج مقاومت می نمودند. شمار آنها از حساب بیرون است. بعضی از آنها، در قرون اول و دوم پیش از میلاد، به شکل خاص بر تاریخ روم اثر گذاشتند: شورش سیسیل (جزیره ای جزء ایتالیا و در جنوب آن کشور - مترجم) و شورش آسیای صغیر (ترکیه فعلی)، که در آنجا ها شاه نشین هائی از بردگان رهیده از بند، تشکیل شده بود؛ و به خصوص قیام مشهور "سپارتاکوس".

طبقات حاکم روم همچنان با آشوب دهقانان خرده مالک ورشکست شده که در خدمت سربازی گرفته شده و نیم عمر شان را باید به آن وقف می کردند، رو به رو گردید. همچنان روم در تقابل با پلپس (مردمان طبقات پائین - مترجم) که متشکل از مردان آزاد شهر و افراد بیکار، ولی سرکش بودند، در رویارویی قرار گرفت. به مجرد به میان آمدن مالکیت غیرمنقول، این نوع مالکیت در خود "روم" مورد اعتراض قرار گرفته و رد شد.

قیام های بزرگ بردگان، ناقوس مرگ مراکز تجمعات بزرگ برده ها را به صدا در آورد. ساحات کوچک تری که حد اعظم در حدود ده برده در آن تحت استثمار قرار می گرفتند، جانشین آنها شدند. به خصوص اجتماعاتی (کولون) عرض وجود نمود که بیش از پیش در موقعیت پیش درآمد «نظام سرواژ» مبتنی بر پرداخت بهره مالکانه بود.

ستم و استثمار چند لایه ناشی از حاکمیت تحمیلی و طفیلی گرانه روم، در جریان توسعه مراکز شهری در قلمرو امپراتوری، با ایجاد نیروی فرار از مرکز، سقوط امپراتوری و سرازیر شدن عشائر رسیده از شرق را باعث شد. آنها دولت هائی برای خود در قلمرو امپراتوری سابق ایجاد کردند که از نظر کمی کوچک و از نظر اجتماعی کاملاً ابتدائی بود.

هر چند در نتیجه فروپاشی امپراتوری روم، نظام "کولونی" پا برجا ماند، ولی شیوه استثمار برده داری، با دولتی که حامل آن بود (دولت روم - مترجم)، یک جا رفته شد. اراضی بیشماری توزیع شد؛ چیزی که باعث ظهور قشر وسیعی از دهقانان خرده مالک مستقل گردید.

مبارزه میان مالکان بزرگ ارضی و سرف ها:

اما این استقلال دیر دوام نکرد. به سبب به وجود آمدن و رشد مالکیت خصوصی، عدم تعادل در تصاحب و توزیع ثروت شدت یافت. قطعات کوچک و پراکنده اراضی یکدست ساخته شد و کشاورزان به تدریج آزادی فردی شان را به نفع مالکان بزرگ ارضی از دست دادند. "سینیور ها" به عنوان دارندگان وسائل تولید و مالکان بزرگ ارضی دولت ها را تشکیل داده و سرف ها را زیر سلطه خویش درآوردند. سرف ها که زیر سلطه سینیور ها قرار داشتند، بایست به سینیور ها سالانه بهره مالکانه می پرداختند.

از آن زمان به بعد، تاریخ این دول شاهای با تاریخ مبارزه سرف ها و دهقانان برای لغو بهره مالکانه و مالیات سالانه یکی شده است. مبارزه مذکور در کشور های دارای نظام فئودالی، شورش های پیهم دهقانی را بار آورد، تا جایی که آتش آن بعضاً سراسر یک کشور را در کام خود فرو می برد مثلاً: در فرانسه در قرن چهاردهم قیام دهقانی در سال ۱۳۵۸ میلادی در دهات فرانسه به وقوع پیوست؛ اندکی بعد در انگلستان؛ در المان در قرن شانزدهم؛ در روسیه در قرون هفده و هژده قیام های بزرگ دهقانی برپا شد.

علاوه بر مقاطع درگیری های حاد، جنگ مخفی در رابطه با بهره مالکانه هم در جریان بود. نتیجه این جنگ، به خصوص، آن بود که بهره مالکانه به شکل (بیگاری) که سود آن برای مالک ارضی اندک بود، به بهره مالکانه (جنسی) مبدل گردد.

سرف ها در مبارزه خود برای تزئید سهم ثروت هائی که به ایشان بر می گشت، زمین ها را از گیاهان هرزه پاک و برای کشت آماده ساختند، ابزار کار خود را انگشاف داده و طرق کشت زمین را دریافتند. خلاصه، آنها وسیعاً نیرو های مولده را رشد و تکامل بخشیدند. افزایش مازاد موجب بلند رفتن حجم تبدلات شد. به عین شکل، افزایش مازاد باعث تقسیم به مراتب دقیق تر کار شده و بدین ترتیب یک سلسله حرفه ها پدید آمدند. میان زارعان و پیشه وران وابسته نیز تفکیک به وجود آمد. بخشی از آنها قادر به زراندوزی شده و توانستند به صورت نسبی، خود را از تسلط مالکان بزرگ ارضی و ارهانند.

تقسیم بیشتر اجتماعی کار و تبادل میان رشته های مختلف تولیدی و اقتصادی نقش زایل کننده نسبت به روابط تولیدی فئودالی بازی کرد؛ به خصوص این که بهره مالکانه جنسی را به بهره پولی (نقدی) مبدل نمود: یعنی به نوعی مالیه ای که می توان با مالیه ای که امروز ما می پردازیم، مقایسه شود. گسترش و تنوع مبادلات میان رشته های تولیدی همچنان منتج به توسعه و پرنفوس شدن شهر ها (بورگ) نیز شد. این شهر ها که در آن مردمان آزاد سکونت داشتند و توسط بورژوا ها اداره می شد، بالای سرف ها عین قدرت جاذبه و کششی را داشتند که امروز "متروپول" (بزرگ شهر) های کشور امپریالیستی بالای اهالی کشور های زیر سلطه دارد.

گذار از بهره مالکانه جنسی به بهره مالکانه نقدی، روند ورشکستگی در جمع دهقانان را هم تسریع نمود. دهقانان فقیر آهسته آهسته به ورشکستگی کامل می افتادند و مجبور به فروش زمین خود، فروش ابزار تولید خود، فروش مواشی خود می شدند... تا بهره مالکانه و مالیه را بپردازند. به تقریب انقلاب بورژوائی ۱۷۸۹م، جمع فزاینده ای از دهقانان نزدیک به لبه پرتگاه ورشکستگی را می شد در فرانسه سراغ نمود که ناگزیر به رفتن به شهر و مبدل شدن به پرولتر

بودند. در انگلستان، این پروسه از این هم خشن تر بود: مالکان سابق ارضی که مبدل به (سرمایه دار) شده بودند، از اکثر دهقانان سلب مالکیت نموده و آنها را مجبور به کار در کارخانه ها می نمودند؛ و جزای ولگردی اعدام بود. از جانب دیگر، تجارت برده و شکر در قرون هفدهم و هژدهم باعث انباشت عظیمی در سرمایه و ثروت سرمایه داران شد. این بورژوازی بزرگ، از نگاه سیاسی، مطیع اشرافیت فئودال باقی ماند؛ اما سرمایه هایش نقش تهداب را برای آغاز سرمایه گذاری های صنعتی بازی نمود.

سرانجام، همین دوره، خود شاهد پیشرفت و تکامل علوم و تکنیک بود؛ که به نوبه خود زمینه های مادی و فنی ساختن ماشین ها را به وجود آورد؛ ماشین هایی که کارگران آمده و بالای آنها به کار آغاز نمودند. توده وسیعی از مردان و زنان حاضر به فروش نیروی کار خود شدند. همچنان سرمایه ها آماده برای سرمایه گذاری و وسایل تکنیکی برای انجام آن مأمول... همه مواد و مصالح برای پیشرفت و شکوفائی نظام سرمایه داری فراهم آورده شده بود. دیگر برای بورژوازی همین قدر کافی بود تا موانع اجتماعی (اشرافیت)، سیاسی (نظام شاهی مطلقه)، قضائی (قید و بند تجاری) و ایدئولوژیک (مذهب کاتولیک...) را از سر راه خود بردارد تا قادر به پرواز گردد.

به قدرت رسیدن بورژوازی:

پایان فئودالیسم در اروپای غربی شاهد قوت گیری روز افزون آن طبقات اجتماعی بود که الغاء و سرنگونی سلطنت، اشرافیت، روحانیت... و همراه با آن، همه اشکال امتیاز بسته به تولید فئودالی را هدف قرار داده بودند. جنگ های مذهبی (میان فرقه های مسیحیت)، که در فرانسه با محاصره غوشیل (شهری در غرب فرانسه؛ تاریخ محاصره: ۱۶۲۷ - ۱۶۲۸ م مترجم) خاتمه یافت، از بسا جهات جنبه مبارزه طبقاتی داشت. بورژوازی شهر ها، در شاخه پروتستان مسیحیت آن ارزش هایی را می یافت که بیشتر با مرام های شان توافق داشت. تکامل این پروسه، کمی بعد تر به انقلاب انگلیس در قرن هژده و انقلاب امریکا و فرانسه در قرن نوزده منتهی شد. انقلاب کبیر فرانسه، به ویژه، نقش بزرگی در پخش گرایش آرمان دموکراتیک، به سراسر اروپا بازی نمود. جنگ ائتلاف علیه فرانسه، در آغاز خود، عمدتاً شکل یک جنگ داخلی با ابعاد اروپائی را داشت: حکومت اشرافی اروپا تمام نیرو های خود را در تلاش برای سد ساختن تهدید مردمی، متحد ساخته بودند. به علاوه، جریان انقلاب فرانسه نمی تواند به جز از طریق تحلیل طبقاتی، به گونه دیگری توضیح گردد. بعد از روی صحنه آمدن توده های دهقان، پیشه ور و کارگر در سال های ۱۷۸۸ و ۱۷۸۹ م، بورژوازی، که در رأس جنبش قرار داشت، در صدد غصب رهبری جنبش به نفع خود برآمد.

سازشی را که بورژوازی با اشرافیت به عمل آورده بود، با اوج گیری جنبش توده ئی، در سال ۱۷۹۲ م به هم ریخت. سرکوب این جنبش، عنان قدرت را در دست بورژوازی قرار داد که برای حفظ آن بیش از حد ضعیف بود. ادامه آن را همه می دانیم: ناپلئون... و متعاقب آن احیای سلطنت. در سال ۱۸۳۰ م، انقلاب دیگری قسماً قدرت را، به وسیله شاهی مشروطه لویی فیلیپ (معروف به سلطنت جولای)، به اشرافیت باز گشتاند. اما در ۱۸۴۸ م، با رسیدن طبقه کارگر به روی صحنه تاریخ، محاسبات به هم خورد.

ادامه دارد